

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



# موقعیت زن در اسلام

شهید آیت الله دکتر سید محمد حسینی بهشتی

بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های

شهید آیت الله دکتر بهشتی

سرشناسه	بهشتی، سیدمحمد، ۱۳۰۷ - ۱۳۶۰.
عنوان و نام پدیدآور	موقعیت زن در اسلام/ سیدمحمد حسینی بهشتی؛ تهیه و تنظیم بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های شهید آیت‌الله دکتر بهشتی.
مشخصات نشر	تهران: روزنه، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	۱۶۴ ص.: مصور.
شابک	۹۷۸-۶۲۲-۲۳۴-۱۳۶-۷
وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا	
موضوع	زنان در اسلام
موضوع	women in Islam
موضوع	زنان در اسلام--تاریخ
موضوع	women in Islam--History
شناسه افزوده	بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های آیت‌الله شهید دکتر بهشتی
رده بندی کنگره	BP ۲۳۰/۱۷
رده بندی دیویی	۲۹۷/۴۸۳۱
شماره کتابشناسی ملی	۵۷۲۳۶۷۹



## موقعیت زن در اسلام

شهید آیت‌الله سیدمحمد حسینی بهشتی

تهیه و تنظیم: بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های شهید آیت‌الله دکتر بهشتی

تلفن: ۲۲۲۶۳۵۰۰

طرح جلد:

چاپ اول: ۱۳۹۸

شمارگان: نسخه

قیمت: تومان

چاپ و صحافی:

آدرس: خیابان مطهری، خیابان میرزای شیرازی جنوبی، پلاک ۲۰۲، طبقه ۳، انتشارات روزنه

نمبر: ۸۶۰۳۴۳۵۹

تلفن: ۸۸۸۵۳۶۳۱ - ۸۸۸۵۳۷۳۰

ISBN: 978-622-234-136-7

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۳۴-۱۳۶-۷

تمام حقوق برای ناشر محفوظ است.

## فهرست

پیشگفتار.....	۷
موقعیت زن از نظر اسلام .....	۹
جلسه اول موقعیت زن از نظر اسلام (۱).....	۱۱
جلسه دوم موقعیت زن از نظر اسلام (۲) .....	۴۵
جلسه سوم موقعیت زن از نظر اسلام (۳).....	۷۵
حیض از دیدگاه قرآن.....	۹۹
آفرینش حوا.....	۱۱۵
جایگاه زن و حجاب در عصر پیامبر.....	۱۲۳
حجاب و حدود آزادی در اجتماع اسلامی.....	۱۳۵
نقش اجتماعی و حقوقی زن .....	۱۴۹
نمایه مکان‌ها و اشخاص.....	۱۵۷
نمایه موضوعی.....	۱۵۹



## پیشگفتار

کتابی که پیش روی شما قرار دارد درباره موضوع جایگاه زن در آئین اسلام از دیدگاه شهید آیت الله دکتر بهشتی است. آغازگر کتاب، سه درسگفتار با عنوان «موقعیت زن از نظر اسلام» است که در سال ۱۳۴۷ در جلسات ماهانه مرکز اسلامی هامبورگ برای ایرانیان ساکن آلمان ایراد شده است. طبق روال و رویه همیشگی شهید بهشتی، این جلسات با مشارکت فعال مخاطبان همراه است و هدف از برگزاری آن، دستیابی به اجماع فکری در خصوص فهم پاسخ اسلام به پرسش‌های زمانه است. از آنجا که در نشر آثار شهید بهشتی قصد ما این بوده که نوشته‌ها یا گفتارهای باقیمانده را به عنوان اسناد تاریخی، با رعایت امانتداری منتشر شود، تا آنجا که مقدور بوده نام اشخاص مشارکت‌کننده ذکر شده است. همچنین، ویراستاری در حداقل لازم صورت پذیرفته است تا فضای گفتگویی جلسات تا حد امکان به مخاطب امروزی منتقل شود. به نظر می‌رسد جلسه چهارم هم در همین موضوع تشکیل شده است که متأسفانه نوار آن تا این زمان یافت نشده است.

پس از آن چهار گفتار و یک گفتگو ارائه شده است:

گفتار «حیض از دیدگاه قرآن» از درسگفتارهای تفسیری شهید بهشتی که پس از بازگشت به ایران و در فاصله سال‌های ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۵ به‌طور هفتگی برگزار می‌شد استخراج شده و به تفسیر آیات ۲۲۳ و ۲۲۴ سوره بقره اختصاص دارد.

دربارهٔ زمان و مکان گفتاری که با عنوان «آفرینش حوا» ملاحظه می‌کنید نتوانستیم اطلاع کافی بدست بیاوریم. یک احتمال این است که به پایان دومین درسگفتار «موقعیت زن در اسلام» و در پاسخ به پرسشی که در همین زمینه شده مربوط باشد. احتمال دیگر این است که به یکی از درسگفتارهای دیدگاه اسلام دربارهٔ نظریهٔ تکامل انسان مربوط باشد. این درسگفتارها در مجلدی با عنوان انسان در دست انتشار است. و بالاخره احتمال سوم این که به یکی از درسگفتارهای تفسیری سال‌های ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۵ مربوط باشد. گفتار «جایگاه زن و حجاب در عصر پیامبر» بخشی از پرسش و پاسخی است که در پایان یکی از درسگفتارهای محیط پیدایش اسلام آمده که در دورهٔ اقامت شهید بهشتی در هامبورگ ارائه شده و پیش از این منتشر شده است و به مناسبت موضوع کتاب حاضر، در اینجا نیز به طور جداگانه منتشر شده است. گفتار «حجاب و حدود آزادی در اجتماع اسلامی» سخنرانی شهید بهشتی در سال ۱۳۵۹ در مجلس بزرگداشت شهدای هویزه ایراد شده است. پایان‌بخش کتاب، گفتگویی است که شادروان علی محمدی گرساری با شهید بهشتی انجام داده است و در آن نظر شهید بهشتی را دربارهٔ مسائل مربوط به زنان جویا شده است. این گفتگو در ... منتشر شد و عیناً از آنجا نقل شده است.

بدیهی است که مطالبی که در این کتاب گردآوری شده است تنها شامل آن بخش از دیدگاه‌های شهید بهشتی در این زمینه است که امکان نشر مستقل داشته و لازم است علاقمندان به شناخت اندیشهٔ ایشان در این موضوع، به دیگر آثار برجای مانده از آن شهید که توسط بنیاد منتشر شده مراجعه کنند. در پایان لازم می‌دانیم از زحمات ویراستار محترم، حجت الاسلام دکتر جواد ازهای تشکر کنیم.

بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های شهید آیت الله دکتر بهشتی



موقعیت زن از نظر اسلام



## جلسه اول

### موقعیت زن از نظر اسلام (۱)

بسم الله الرحمن الرحيم

بحث امشب درباره «موقعیت زن از نظر اسلام» است.<sup>۱</sup> باید توجه داشت بحثی که در این باره می‌کنیم می‌تواند بحث بسیار مفصلی باشد که با توضیح موقعیت زن در میان ملت‌های دیگر، قبل از اسلام، بعد از اسلام تا پنجاه سال پیش، و از پنجاه سال پیش به این طرف همراه باشد، که بحث جالبی هم هست، اما در جلسه امروز درصدد این امر نیستیم. البته بحث جالبی است، یک سلسله بحث هم هست، بحث یک جلسه نیست و شاید بعدها فرصتی نصیب شود که این بحث‌ها به صورت جامع‌تر ایراد شود. اما بحث امشب ما این است که صرف نظر از این که موقعیت زن در میان عرب‌ها، یونانی‌ها، ایرانی‌ها، رومی‌ها یا مصری‌ها چه‌طور بود، در کشورهایی مثل هندوستان و چین چه‌طور و بعد از اسلام چه شد، در میان اروپاییان چه بود و حالا چیست، اصلاً واقعاً بینیم موقعیت و حقوق و تکالیف زن در اسلام، مناسبات زن با اجتماع و مناسبات زن با خانواده چیست.

در این مورد باید اول عرض کنم که در قرآن کریم، همه جای آن، می‌بینیم اسلام دینی است که به صورت مساوی برای زن و مرد آمده است. اصلاً در

---

۱. این سخنرانی در تاریخ ۲۷ فروردین ماه ۱۳۴۷ هجری شمسی در مرکز اسلامی هامبورگ ایراد گردیده است.

تعالیم اسلام، در بینش اسلام، وقتی می‌خواهد فکر کند که من با چه کسی سروکار دارم، فقط فکر نمی‌کند من با مرد سروکار دارم و با مرد حرف می‌زنم، بلکه با زن و مرد هر دو حرف می‌زند و این چیزی است که همه اهل علم هم بر آن متفق هستند و همه این «یا أَيُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا»ها، «ای کسانی که ایمان آورده‌اید»ها، ای صاحبان ایمان چنین و چنان کنید، شامل مرد هست، شامل زن هم هست.

بنابراین، تعالیم اسلام و فکر اسلام و دین اسلام به کجا توجه دارد؟ به جامعه، زن و مرد، کوچک و بزرگ، همه. بنابراین، در هر مورد که شما حساب بکنید، نماز بر مرد و بر زن، روزه بر مرد و بر زن، حج برای مرد و برای زن، زکات بر مرد و بر زن، امر به معروف و نهی از منکر بر مرد و بر زن، معبد و مسجد برای مرد و برای زن، همه یکسان است. ولی شکی نیست که اگر از ما بپرسند آیا از نظر قوانین و حقوق اسلام، احکام و حقوق و تکالیفی اختصاصی برای مرد و اختصاصی برای زن پیدا می‌شود یا نه، باید بگوییم بله. مسائل مشترک زیادی دارند، اما مسائلی هست مخصوص به زن، مسائلی هست مخصوص به مرد. مثلاً بر مردان شرکت در جهاد واجب است، اما تا مرد به اندازه کافی هست، شرکت در جنگ بر زن واجب نیست، تکلیفی است متوجه مردها. بر مردان شرکت در نماز جمعه واجب است، اما بر زنان واجب نیست، می‌توانند شرکت بکنند، می‌توانند نکنند. بنابراین، یک نوع تکالیف اختصاصی برای مرد هست که این تکالیف برای زن نیست و برعکس.

باید دید که اسلام در این زمینه، به چه چیز توجه داشته است. چطور شده است که بعضی از قوانین و احکام و حتی حقوق اختصاصی برای مردها آورده که زن‌ها ندارند یا برای زن‌ها آورده که مردها ندارند؟ مثلاً درباره حقوق می‌گوییم زن اگر شوهر کرد، در خانواده، حق این را دارد که هزینه زندگی او را مرد بدهد؛ یعنی حقی است برای زن بر گردن مرد. ولی مرد

این حق را به گردن زن ندارد که تو باید خرج زندگی من را بدهی، ولو آن زن ثروتمند باشد. ببینیم چه عاملی سبب شده است که حقوق و تکالیفی اختصاصی کم و بیش برای زن و مرد در اسلام آمده؟ آنچه از تعابیر آیه‌ای از قرآن کریم «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ»<sup>۱</sup> و همچنین در بعضی از روایات «المرأة ربحانة وليست بقهرمانه»<sup>۲</sup> آمده است می‌فهمیم این است که زن چون گل، لطیف است و در میدان زندگی نمی‌تواند کارهای خشن بر دوش بگیرد. البته در درجه اول از نظر من آیه قرآن کریم مطرح است. آنچه آدم از مجموعه تعالیم اسلام می‌فهمد این است که اسلام خواسته است به چند واقعیت توجه شود که این واقعیت‌ها را خیلی پوست‌کنده امشب مطرح می‌کنیم:

۱. اگر مردان و زنان را با هم مقایسه کنیم، مردها را یک طرف، زن‌ها را یک طرف، از نظر استعداد جسمی، به طور متوسط قدرت مقاومت مرد از نظر ساختمان بدنی در برابر کارهای سخت جسمی از قدرت زن‌ها بیشتر است. به طور متوسط، و الاً ممکن است خیلی از خانم‌ها باشند که از آقایان قوی‌تر باشند و آنها از خانم‌ها ضعیف‌تر، اما به طور متوسط، استقامت مرد و ساختمان بدنی او برای بر دوش گرفتن کارهای خشن و سخت بیشتر است. این مسئله هست. خیلی مهم نیست، اما هست.

۲. مهم این است که از نظر استعدادهای روحی و روحیه، اگر زنان را در یک طرف و مردان را در یک طرف دیگر قرار دهیم، یک نقطه قوت در مردها نسبت به زن‌ها و یک نقطه قوت در زن‌ها نسبت به مردها وجود دارد. از نظر روحی، می‌توانیم بگوییم یک امتیاز مردها نسبت به زن‌ها دارند و یک امتیاز زن‌ها نسبت به مردها. امتیازی که زن نسبت به مرد دارد چیست؟ این است که زن از عواطف بیش‌تری برخوردار است؛ عواطف زن رقیق‌تر،

۱. سوره نساء (۴)، آیه ۳۴

۲. نهج البلاغه، نامه ۳۴

ریشه‌دارتر و هیجان‌دارتر است. شکی نیست که عاطفه، از مزایای زندگای انسانی است. در دنیای عاطفه، باید بگوییم به طور متوسط، زن عاطفی‌تر از مرد است. در طرف مرد، به حکم همین که عواطفش ضعیف‌تر است، قدرت تعقل و سنجش صحیح در کارها به طور نسبی بیش‌تر است، چون عاطفه در عین حال که چیز خوبی است، مانع محاسبات دقیق و صحیح است. وقتی می‌گویم عاطفه، یعنی حساب را بگذار کنار. روی حساب نباید فلان کار را کرد، اما عاطفه می‌گوید: این کار را بکن! از روی حساب می‌گویید من خوابم می‌آید، شب باید بگیرم بخوابم. حالا بچه‌ام مریض است، مریض باشد. آن چیزی که این حساب را می‌گذارد کنار و کنار می‌زند، این است که عاطفه مادری می‌گوید بله خوابم می‌آید، چشمم می‌سوزد، اما نمی‌توانم بخوابم. باید از بچه پرستاری کنم. این عاطفه برای این است که اصلاً حاضر نیست حساب کند که فردا صبح خسته است، خسته نیست، چه کار بکند. بنابراین، در خانم‌ها بدون شک و به طور متوسط زمینه‌رشد عواطف بیش‌تر است و در آقایان کم‌تر. لازم نیست که مردها عقل‌شان زیادتر باشند، نه خیر، ممکن است قدرت استعداد عقلانی زن و مرد یکی باشد، اما از نظر فعال بودن استعداد عقلانی، زن به عواطف که برخورد می‌کند، تا حدی از کار می‌افتد. استعداد عقلانی مرد چون به عواطف برخورد نمی‌کند، کار خودش را ادامه می‌دهد و جلو می‌رود. نتیجه، مقاومت زن است. این‌که می‌گوییم مردها مقاومت روحی‌شان بیش‌تر است، تعبیری غلط است. این را حتی خیلی از نویسندگان هم می‌نویسند، ولی غلط است، کاملاً هم غلط است. خودشان هم می‌فهمند که غلط است. مقاومت زن در کارها و سختی‌هایی که اگر انسان عواطف کافی داشته باشد مقاومت پیدا می‌کند، یعنی در آن زمینه‌هایی که مقاومت ناشی از عواطف است، بیش‌تر از مرد است.

یک بچه را به یک مرد بسپارید و یک بچه را به یک زن بسپارید. حوصله زن، بردباری زن، مقاومت زن در تحمل مشقت نگهداری این بچه، بچه

خودش باشد یا در کلاس مدرسه، بسیار بیش تر است. چرا عموماً سعی می کنند معلم های کلاس های اول را تقریباً در همه فرهنگ ها از خانم ها قرار بدهند؟ برای این که خانم ها برای اداره بچه ها در کلاس اول آماده ترند و مقاومت و قدرتشان بیش تر است. بنابراین، مقاومت زن در برابر سختی هایی که باید با کمک عاطفه آن سختی ها را تحمل کرد بیش تر از مرد است. در مشکلات و سختی هایی که باید به کمک محاسبه آنها را تحمل کرد، مقاومت مرد بیش تر است. بنابراین، به طور سربسته نمی شود گفت که مقاومت مردها و قدرت بردباری مردها در برابر سختی ها بیش تر از زن هاست. این درست نیست. باید تقسیم کرد. باید گفت سختی هایی را که برای تحمل آنها محاسبه صحیح سودمند است، مرد بیش تر می تواند تحمل کند و سختی هایی که برای تحمل آنها عواطف لازم است، خانم ها بیش تر می توانند تحمل کنند.

حالا با توجه به این مطلب که زن و مرد هر کدام یک امتیاز دارند، یعنی زن امتیاز استعداد بیش تر برای رشد عواطف و مرد امتیاز استعداد بیش تر برای رشد قدرت محاسبه و تعقل در میدان زندگی، وقتی می خواهیم کار را تقسیم کنیم، چگونه تقسیم کنیم؟ وقتی می خواهیم به زن و مرد میدان تکامل دهیم، چگونه میدان دهیم؟ اسلام بدون این که زن را از تحصیل و دانش محروم کرده باشد، بدون این که زن را از شغل و حتی کار در اجتماع محروم کرده باشد، به زن میدان داده است. گفته هر طور و هر جا می خواهی کار بکن. از نظر کار هیچ محدودیتی برای زن نیست. اما به زن و مرد می گوید که اگر می خواهید سازمان و ساختمان اجتماعتان طبیعی تر باشد، بگذارید زن و مرد هر کدام در میدان مناسب خودشان کار بکنند. اخیراً آمار از آلمان و از آمریکا در جراید دیدم که از خانم های آمریکایی سؤال شده است که اگر شما را آزاد بگذارند که خانه و خانه دار باشید یا خانم کار و شاغل و حرفه دار کدامش را انتخاب می کنید، اکثریت گفته اند خانه و خانه داری. خودشان هم

گفته‌اند چون کار خانه‌داری کار است، لیکن این کار بر روحیه ما تحمیل نیست. روحیه ما در پذیرش و انجام آن احساس تحمیل نمی‌کند. این درک خود آنهاست. البته من نمی‌خواهم بگویم این سند است و نمی‌خواهم بگویم حتماً هر آنچه را گفته‌اند درست است.

حقیقت و مسئله مهم این است که باید دید چه محیطی برای زندگی طبیعی هر یک از زن و مرد مساعدتر است. اسلام راهنمایی می‌کند. می‌گوید ای زنان و ای مردان مسلمان! سعی کنید زندگی خانوادگی تشکیل بدهید و سعی کنید پایه‌های خانواده را محکم کنید. درباره خانواده البته امیدوارم که همه دوستان آن جزوه‌ای را که قبلاً داده بودیم مطالعه کرده باشند. در میدان اجتماع، در چند کار، اسلام می‌گوید به دلیل این که زن استعداد رشد عواطفش بیش‌تر است و مرد استعداد رشد محاسبه و تعقلش بیش‌تر، این سمت‌ها که احتیاج به محاسبه بیش‌تر دارد برای مردان باشد:

۱. زمامداری‌های اجتماعی، از قبیل ریاست‌جمهوری و نخست‌وزیری و امثال آن اولاً به فعالیت‌های سخت و ثانیاً قدرت مقاومت در برابر عواطف و تعقل و محاسبه قوی احتیاج دارد. به طور معدل در میان مردها این شانس بیش‌تر است که افراد شایسته برای این کار پیدا بشوند. ممکن است در دنیا به طور استثناء زنی پیدا شود که نخست‌وزیر خوبی باشد، اما این استثناء است. استثناء غیر از معدل است. آیا این توهین به زن در اسلام است؟ نه، برای این که ما که نگفتیم مرد یک امتیاز اضافی دارد. گفتیم یک امتیاز مرد دارد، یک امتیاز زن دارد، هر کدام از این دو امتیاز در جای خودش. این عیناً مثل این است که ما وقتی که در دبیرستان بچه‌ها را می‌خواهیم آزمایش استعداد کنیم و بگوییم هر کدام به درد چه رشته‌ای می‌خورند، امتحانی بکنیم و بگوییم این دسته اگر بروند در رشته‌های تجربی بهتر ترقی می‌کنند، آن دسته اگر بروند حقوق بخوانند بهتر ترقی می‌کنند، آن دسته سوم اگر بروند ادبیات بخوانند بهتر است. این توهین به هیچ کدام نیست تا مثلاً اگر فردی را برای ادبیات



انتخاب کنیم، بگویید به من توهین کردید که گفتید پزشکی نرو. این توهین به او نیست. تو یک ادیب نویسنده ارزنده‌ای می‌شوی، ارزشت هم در جای خودش محفوظ است.

اگر صحبت از ارزش دادن باشد، به طور قاطع می‌گویم که اسلام ارزش علاوه، به مرد نداده است. بار علاوه روی دوشش گذاشته، نه این که ارزش علاوه به او داده است. این مطلب عادی است. همین مسئله زمامداری، ارزش علاوه نیست. مسئله زمامداری شوخی نیست. زمامداری یک جامعه رنج دارد، زحمت دارد، کار دارد، فشار دارد. اصلاً خیلی‌ها هستند تا به این مقام‌ها نرسیده‌اند هوس می‌کنند چون می‌بینند برای این نخست‌وزیر تشریفات چنین و چنان قائلند، ولی وقتی وارد می‌شوند می‌بینند رنجش چه قدر است. بنابراین، معنای این که اسلام بگوید کارهای مربوط به زمامداری بیش‌تر در خور مردان است، توهین به زن نیست. پایین آوردن قدر او هم نیست. تقسیم صحیح کار در اجتماع است براساس استعدادها. این غلط نیست.

اما قضاوت از نظر اسلام. کار قاضی و قضاوت از نظر فقه اسلامی برای مردان است، هرچند دلیل صددرصد قاطعی بر هیچ یک از این دو مطلب (زمامداری و قضاوت) هنوز هم نداریم، یعنی واقعاً من خودم هم شخصاً هنوز فرصت نکردم که این مطلب را به صورت صددرصد قاطع ببینم که به‌طور مسلم دلیل قاطعی بر این داریم یا نه.<sup>۱</sup> البته علمای سنی در کتابهایشان

۱. در سال ۱۳۵۸ پس از پایان کار تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از شهید بهشتی در همین زمینه سؤال می‌شود و ایشان در پاسخ می‌گوید:

در این که خانم‌ها می‌توانند رئیس‌جمهوری باشند یا خیر، در میان فقها، چه در میان مراجع و چه در میان فقیهان مجلس خبرگان، نظر یکسانی وجود نداشت. عده‌ای آن را منطبق با موازین اسلام می‌دانستند و عده‌ای نمی‌دانستند. قانون اساسی ناچار بود مطابق با رأی اکثریت دو سوم کل نمایندگان، که تقریباً به صورت معدل نمایندگان رأی اکثریت دو سوم مردم ما باشند، تنظیم شود، تا پشتوانه اسلامی و اعتقادی و دینی آن محکم باشد و چون رأی نیاورد، متن به صورتی تنظیم شد که ان شاءالله در آینده اگر این پیشنی که می‌تواند گسترده‌تر شود، حمایت دو سوم مردم را به دست آورد، آن وقت راه برای این منظور هموار شود. دقت بفرمایید خواهان! شما می‌دانید که عملاً برای مدت طولانی، جامعه ما وقتی می‌خواهد رأی بدهد و انتخاب بکند، به آن مرحله‌ای که خواهری برای تصدی این گونه سمت‌ها

چیزهایی نقل کرده‌اند، حدیثی هم نقل کرده‌اند، علمای شیعه هم همین‌طور، لیکن مجموعه‌ای اینها برای حکم قاطع به این مطلب به نظر من تا حالا کافی نرسیده است. دلایل بیش‌تری باید ببینیم. ولی این که نظر علمای اسلام

فرصت و رأی کافی را به دست بیاورد نمی‌رسد. این مسئله‌ای است که از نظر زمان با آن رویه‌رو خواهیم بود. این بود که اصل به این صورت تنظیم شد. ابتدا اصل را طوری تنظیم کرده بودند که صریحا می‌خواست بگوید از نظر اسلامی بانوان نمی‌توانند رئیس‌جمهور شوند که این رأی نیاورد، چون آراء مخالف حتی از فقهای حاضر در جلسه زیاد بود. بنابراین به این صورت درآمد که قانون اساسی به بن بست کشیده نشود ولی معلوم باشد که این مسئله در روند زمان باید همچنان مورد توجه قرار بگیرد و همه‌ی خواهران و برادران به این اهمیت بدهید که قانون اساسی شما قانونی باشد که لااقل از طرف دو سوم مردمتان مورد حمایت قرار گرفته باشد. این خیلی مهم‌تر است.

این مطلب را کمی توضیح می‌دهم. "سنت"، بیانگر قرآن است. سنت باطل‌کننده قرآن نیست ولی بیانگر قرآن است. در قرآن کریم آیه‌ای که با صراحت امکان ریاست جمهوری یک زن را نفی کند نداریم. به همین دلیل برخی از صاحب‌نظران فقیه در مجلس هم، این مطلب را نمی‌پذیرفتند. چند روایت داریم که مفاد آنها فرمانروایی و زمامداری را از زن سلب می‌کند. منتها این روایات ضد قرآن نیست تا یکباره درباره‌ی آنها تصمیم بگیرند و بگویند آنها را کنار بگذاریم. در قرآن این مسئله نه نفی و نه اثبات می‌شود، یعنی نه در قرآن آیه‌ای هست که با صراحت و دلالت کافی بگوید که زن نمی‌تواند زمامدار باشد و نه در قرآن آیه‌ای هست که با صراحت بگوید زن می‌تواند زمامدار باشد. اگر در قرآن آیه صریحی داشتیم که می‌گفت و تصریح می‌کرد که زن می‌تواند زمامدار باشد، آنوقت احادیث از اعتبار می‌افتاد. حدیث مخالف قرآن، اعتباری ندارد. ولی وقتی درباره مسئله‌ای در قرآن با صراحت بحثی نمی‌شود آنوقت نوبت به روشنگری سنت می‌رسد.

دقت بفرمایید! ما می‌گوییم در جامعه زن و مرد وجود دارد. مسلماً، و نه منحصرأ، مرد می‌تواند این سمت را بپذیرد. برای پذیرش او نه در کتاب منعی هست و نه در سنت. به این ترتیب قدر مسلم این است که مرد می‌تواند این کار را بکند. آنچه در آن سؤال هست این است که آیا زن مسلمان هم می‌تواند رئیس‌جمهوری باشد یا خیر؟ چرا این سؤال وجود دارد؟ به دلیل این روایات. قرآن نفی‌کننده آن نیست. در قرآن نسبت به این قسمت، نه راجع به مرد و نه راجع به زن، نصی وجود ندارد. درباره‌ی نفی زمامداری مرد، مطلبی نیست و بنابراین تکلیف مرد روشن می‌شود. اما راجع به زن، چون بعضی از روایات هست، یک سؤال و یک ابهام به وجود می‌آید که باید آن را فقیهان روشن کرد نه با احساسات، که ان شاءالله در آینده برای شورای فقها، مسئله حل می‌شود. برای خود من دلایلی که در روایات آورده می‌شود که زن نمی‌تواند زمامدار و رئیس‌جمهوری باشد کافی نیست و هیچ وقت هم کافی نبوده است. از ابتدا که در این مسئله به صورت بررسی اجتهادی، تحقیق کردم دلایل برایم غیر کافی بوده است. ولی تا این نظر به صورت گسترده مورد قبول تحقیقی دو سوم آراء ملت و فقهای ملت در نیاید و مورد قبول قرار نگیرد، برای آن شتابزدگی نکنید. بنابراین عرض من این است که قانون اساسی فعلی آن قدر مسلم را گفته است، یعنی رجال مذهبی می‌توانند زمامدار باشند و فعلاً راجع به زنان مسئله را مسکوت گذاشته تا وقتی که زمینه فقهانی گسترده آن به صورت روشن آماده شود. در آن موقع می‌توان این را مطرح کرد و به تصویب رساند و به آن مرحله رسید. (مبانی نظری قانون اساسی)

هست، این را می‌شود گفت؛ نظر علمای اسلام عموماً نه صد در صد. نظر غالب آنها بر این بوده است که سمت زمامداری و سمت قضاوت در اسلام مخصوص مردان است. حالا ما فرض کنیم چنین چیزی هم در اسلام باشد، آیا توهین به زن است؟ نه.

و اما مسئله انتخاب کردن و انتخاب شدن. دلیلی بر تحریم برای این هم در اسلام نداریم. یعنی زن هم می‌تواند انتخاب بکند و هم می‌تواند نماینده انجمن یا مجلس باشد، به شرط این که وظایف دیگرش را رعایت کند. این یک مسئله دیگر است. یعنی به قول یکی از علمای بزرگ در ایران<sup>۱</sup> که در این حوادث اخیر رفته بودند از ایشان اعلامیه‌ای مبنی بر این که شرکت بانوان از نظر اسلام در انتخابات حرام است بگیرند، ایشان نمی‌نوشت. می‌گفت من چنین اعلامیه‌ای را نمی‌نویسم. به ایشان اصرار کردند که چرا نمی‌نویسی. گفت نمی‌نویسم. وقتی خیلی اصرار کردند گفت: آفاجان! من که فقیه هستم و مجتهد هستم باید بر اساس کتاب و سنت یعنی قرآن و حدیث فتوا بدهم، از پیش خودم که نمی‌توانم چیزی بنویسم. در قرآن و حدیث دلیلی بر این مطلب پیدا نکردم، پس نمی‌توانم بدهم. بعد برای این که این آقایان را خوب قانع کند یک مثال دم‌دستی داشت که این مثال را آورده بود و آنها هم ساکت شده بودند. در ایران خانمی است از اصفهان به نام بانو هاشمیه.<sup>۲</sup> این خانم

---

۱. منظور آیت‌الله رحیم ارباب (۱۲۵۹-۱۳۵۵ ش) معروف به حاج آقا رحیم ارباب از علما و مجتهدین شیعه در شهر اصفهان است. ایشان از شاگردان آخوند ملامحمد کاشی و میرزا جهانگیر قشقانی بود و مانند استاد خود جهانگیرخان عمامه - بجز موقع نماز - بر سر نمیگذاشت. ایشان در فقه و اصول، هیئت و ریاضی، فلسفه و کلام و عرفان تخصص داشت و در زمره آخرین دانشوران مکتب فلسفی اصفهان بود. شهید مطهری ایشان را از علمای طراز اول در فقه، اصول، فلسفه، ادبیات و قسمتی از ریاضیات قدیم دانسته‌اند.

۲. بانو مجتهده سیده نصرتبیگم امین (۱۲۶۵-۱۳۶۲ ش) عالم گرانقدر اهل اصفهان. از ۴ سالگی به مکتبخانه رفت، در ۱۵ سالگی ازدواج کرد و شاهد مرگ ۷ تن از فرزندان خود بود. با این وجود، این بانوی اندیشمند و عارف با پشتکار بینظیر به تحصیل صرف، نحو، بلاغت، تفسیر، علم حدیث، فقه، اصول، فلسفه و عرفان می‌پردازند. در سن ۴۰ سالگی مرتبت و تسلط علمی ایشان مورد تأیید علما و مراجع تقلید قرار گرفته و به دریافت درجه اجتهاد و روایت حدیث نایل گردید. بانو امین در